

آموزه‌های تربیتی و اعتقادی در ادعیه مأثور از حضرت سجاد علیه السلام

مهدی ساجدی (استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه قرآن و حدیث/ نویسنده مسؤل)

mehdisajedi85@yahoo.com

حسام الدین ربانی (استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه قرآن و حدیث)

hesamrabbani921@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۷

چکیده

تحقیق حاضر به تبیین برخی از درس‌های تربیتی و اعتقادی حاصل از کلمات نورانی حضرت امام زین العابدین علیه السلام - که در قالب دعا بیان شده - با هدف ارائه الگوهای برتر رفتاری برگرفته از دین پرداخته است. آنچه تحقیق در این باره را ضرورت می‌بخشد، مشکلات رفتاری است که در جوامع اسلامی عصر حاضر، به ویژه در میهن اسلامیمان دیده می‌شود که حاصل دوری از آموزه‌های مزبور و تکیه بر دانش بشری صرف در حل معضلات رفتاری بشر است. به نظر می‌رسد بتوان با پژوهش‌هایی از این دست و استخراج الگوهای رفتاری ارزشمندی که در این ادعیه نهفته، زمینه را برای تغییر سبک زندگی و تحول رفتاری به سمت رفتارهای مطلوب دینی فراهم نمود. تأمل و تعمق در ادعیه مأثور از آن حضرت، بیان‌گر آن است که امام علیه السلام از طریق این ادعیه، درصدد تربیت نفوس مستعد و ترویج و تعلیم عقاید صحیح دینی و تبیین مفاهیم بلند اخلاقی در جهت ایجاد صفات عالی انسانی در جامعه بوده‌اند. برخی از تعالیم اخلاقی و تربیتی و اعتقادی برگرفته از مناجات‌ها و دعا‌های آن امام بزرگوار که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته، بدین قرار است: تأکید بر مسأله ولایت اهل بیت رسول خدا و پیوند ناگسستنی آنان با رسول خدا صلی الله علیه و آله، تصحیح عقاید و تعلیم صحیح درخواست از

خداوند، کرامت در اخلاق و رفتار، ایجاد روحیه امید به خدا در سایه توبه، سپاس‌گزاری از نعمت‌های پروردگار، نیکی به والدین، توجه به تربیت فرزندان، توجه به خدا و امید به او در سختی‌ها و مشکلات، ترغیب بر تحصیل اخلاقیات، نیکو، پرهیز از رذائل اخلاقی، تنبہ دادن بر مسأله توجه اسلام به دنیا و آخرت، تقویت روحیه شهادت و شهادت طلبی.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد، اخلاق، کمالات، دعا، اعتقادات.

۱. مقدمه

«تربیت» به معنای رشد و افزایش است و مربی فردی است که اسباب رشد و افزایش مورد تربیت را فراهم می‌سازد و کاری صورت می‌دهد که پدیده، کمالات بالقوه خود را به حالت فعلیت درآورد. به تعبیر دیگر، هر کمالی که در پدیده است، مربوط به خود اوست؛ نه مربی. و اگر به مربی نسبت داده می‌شود، به خاطر این است که او شرایط رشد را فراهم ساخته تا پدیده، چهره واقعی خود را نشان دهد و ما این حقیقت را با مثالی روشن می‌سازیم.

باغبان پدیدآورنده کمال در درخت نیست، بلکه هموارکننده شرایطی است که خود درخت، کمالات خود را نشان دهد؛ زیرا شاخ و برگ و میوه‌های رنگارنگ در دل نهال، به صورت بالقوه نهفته است؛ اما در هر شرایطی امکان عرضه کمال نیست، بلکه تا زمین هموار نباشد و ریشه‌ها فعالیت نکنند و درخت از انرژی خورشید بهره‌گیرند و آب به ریشه نرسد، امکان اظهار کمال برای آن نیست.

با این مثال می‌توان موقعیت پیامبران و مصلحان و مربیان جامعه انسانی را ارزیابی نمود.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در یکی از سخنان خود به این واقعیت چنین اشاره می‌کند:

خدا پیامبران را فرستاد تا میثاقی را که با انسان از طریق فطرت بسته است بازخواهی کنند، و آنان را به نعمت‌های فراموش شده متذکر سازند، و از طریق تبلیغ، بر آنان احتجاج کنند، و اندیشه‌های نهفته در خلقت را شکوفا سازند (سید رضی، ۱۳۷۸: ۶).

یکی از مربیان نمونه جامعه بشری، امام و پیشوای چهارم حضرت سجاد (علیه السلام) است. دوره‌ای که ایشان در آن زندگی می‌کردند، دورانی بود که همه ارزش‌های دینی، دستخوش تحریف و تغییر امویان قرار گرفته و مردم یکی از مهم‌ترین شهرهای مذهبی (مدینه)، باید به عنوان برده

یزید با او بیعت کنند. احکام اسلامی بازپچه دست افرادی چون ابن زیاد، حجاج و عبدالملک بن مروان بود.

در سایه چنین حکومتی آشکار است که تربیت دینی مردم تا چه اندازه تنزل کرده و ارزش‌های جاهلی چگونه احیا شده است. امام سجاد (ع) در این شرایط، انسانی اهل عبادت بودند که مهم‌ترین تأثیر اجتماعی ایشان در ایجاد پیوند مردم با خدا، به وسیله دعا بود. شخصیتی که همه مردم تحت تأثیر روحیات و شیفته مرام و روش او بودند.

سعید بن مسیب، از محدثین مشهور، درباره امام سجاد (ع) می‌گفت:

ما رأیت أروع من علی بن الحسین (اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

ابن ابی الحدید درباره‌اش می‌گوید:

كان علی بن الحسین غاية فی العبادہ (ابن حجر عسقلانی، بی تا: ۲۷).

از دلایل مهم شهرت امام و محبت او در میان مردم، انتشار جملات زیبای حضرت در قالب دعا بود که همه را به خود جذب می‌کرد و حضرت نیز توانستند با استفاده از چنین فضایی، معارف ناب شیعی و درس‌های بلند اخلاقی و تربیتی را برای مردم بیان نمایند و از این طریق، به تربیت و پرورش نفوس مستعد در جامعه آن روز بپردازند و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد نمایند. اکنون پس از گذشت سالیان مدید، این گنجینه‌های معارف الهی در مجموعه‌هایی تدوین شده و به دست ما رسیده است.

صحیفه سجادیه - که اندکی بیش از پنجاه دعا دارد - مشهورترین مجموعه‌ای است که در آن دعا‌های امام سجاد (ع) گردآوری شده است، لکن در این مجموعه، تنها بخشی از دعا‌های آن حضرت، گردآوری شده و مجموعه‌های دیگری نیز به این امر اختصاص پیدا کرده است که تعداد آن‌ها با صحیفه معروف، به شش عدد رسیده و برخی از آن‌ها حاوی بیش از صد و هشتاد دعا است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۸). دعا‌های مزبور نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان اهل سنت نیز وجود داشته است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ۱۹۲) و این حاکی از نفوذ دعا‌های آن حضرت، در جامعه آن روز است.

به هر روی، امام سجاد (ع) توانستند از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده نمایند و از این طریق، معارف الهی را در جامعه ترویج نمایند. آنچه تحقیق در این باره را ضرورت می‌بخشد،



وجود مشکلات رفتاری است که امروزه در جوامع اسلامی و به ویژه در میهن اسلامیمان دیده می‌شود که حاصل دوری از آموزه‌های مزبور و تکیه بر دانش بشری صرف در حل معضلات رفتاری بشر است. به نظر می‌رسد بتوان با پژوهش‌هایی از این دست و استخراج الگوهای رفتاری ارزشمندی که در این ادعیه نهفته، زمینه را برای تغییر سبک زندگی و تحول رفتاری به سمت رفتارهای مطلوب دینی فراهم نمود.

گفتنی است پژوهش فوق، پژوهشی تحلیلی کاربردی در دانش حدیث محسوب می‌شود و بر آن است تا با تحلیل احادیث نقل شده از پیشوای چهارم در قالب دعا، الگوهای رفتاری مناسب را از آن ادعیه استخراج کند.

۲. آموزه‌های اعتقادی

از آنجا که عمل صحیح و رفتار مناسب و شایسته همواره مبتنی بر اعتقاد صحیح است، مناسب به نظر می‌رسد که ابتدا درس‌های اعتقادی قابل استفاده از کلمات حضرت سجاد (ع) در قالب دعا را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

۲-۱. تکیه کردن امام (ع) بر پیوند پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان (ع)

اولین نکته‌ای که درباره دعا‌های حضرت، توجه انسان را به خود جلب می‌کند، تأکید حضرت در این ادعیه بر پیوند ناگسستنی نبی مکرم اسلام از اهل بیت ایشان است. در میان دعاها تعبیری وجود دارد که اغلب تکرار شده و کمتر دعایی است که از این تعبیر خالی باشد. این تعبیر، «صلوات بر محمد و آل محمد» است و اساساً یکی از علائم دعا‌های درست، همین است. زمانی که حتی قرار دادن نام علی بر فرزندان تقبیح می‌شد و افراد بدین دلیل مورد تهدید قرار می‌گرفتند و کار امویان جز با دشنام دادن به علی (ع) مستقیم نمی‌شد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ۲۲۰)، به کار گرفتن این تعبیر، ارزش خود را به خوبی نشان می‌دهد. تعبیرهایی شبیه «محمد و آل الطیبین الطاهرین الاخیار الانجبین» (امام سجاد (ع): دعای ۶، فقره ۲۴) از نمونه‌هایی است که چند بار تکرار شده است.

تکیه امام (ع) بر پیوند دادن محمد و آل او، امری است که خداوند آن را ضمن دستور بر صلوات بر رسول آورده و اهمیت زیادی برای بیان عقاید شیعی دارد و در کلام نبی مکرم اسلام نیز به کرات و مراتب بیان شده است تا آنجا که حضرت در مواضع مختلف در تبیین این امر، مردم

را از فرستادن صلوات ناقص نهی می‌فرمودند. این پیوند و همراهی در کلمات و ادعیه جاری بر زبان امام سجاد علیه السلام در واقع، بیان‌گر نقش یکسان رسول خدا ﷺ و خاندان ایشان در تربیت و هدایت جامعه بشری و رساندن انسان‌ها به کمالات عالی انسانی است.

۲-۲. تأکید بر مسأله ولایت اهل بیت علیهم السلام

یکی از مضامین مهم - که در دعاهاى حضرت مورد توجه و تأکید واقع شده - طرح مسأله امامت و ولایت‌پذیری است؛ چرا که مفهوم امامت به عنوان یک مفهوم شیعی، علاوه بر جنبه داشتن احقیقیت برای جانشینی پیامبر و رهبری جامعه اسلامی، جنبه‌های الهی عصمت و الگو بودن در اخلاقیات و بهره‌گیری از علوم انبیا و مخصوصاً پیامبر اکرم ﷺ را نیز در حد والا نشان می‌دهد. در اینجا چند نمونه را نقل می‌کنیم:

در یک مورد حضرت می‌فرمایند:

رب صل علی أطایب أهل بیتی الذین اخترتهم لامرک وجعلتهم خزنة علمک وحفظه دینک و خلفائک فی أرضک و حججک علی عبادک و طهرتهم من الرجس والدنس تطهیرا بارادتک وجعلتهم الوسيلة إلیک والمسلك الی جتک (همان: دعای ۴۷)؛
پروردگارا، بر پاکان از اهل بیئت‌ش درود فرست؛ کسانی را که برای امرت برگزیده‌ای و گنجینه‌های علمت ساخته‌ای و سبب حفظ دینت نموده و آنان را جانشینان خود در زمین و حجت بر بندگان قرار داده‌ای و به اراده خود آنان را از هر پلیدی و ناپاکی پاک قرار داده‌ای و آنان را وسیله‌ای برای رسیدن به خودت و نیل به بهشت گردانیده‌ای.
و در جای دیگر حضرت می‌فرمایند:

وصل علی خیرتک اللهم من خلقک محمد و عترته الصفوة من بریتک الطاهرين و اجعلنا لهم سامعین و مطیعین کما أمرت (همان: دعای ۴۷)؛
و بر برگزیده از خلقت محمد و خاندان برگزیده و پاکش درود فرست و ما را گوش به فرمان و مطیع آنان قرار ده.

در بخشی دیگر حضرت به حکمت وجود امام در بین مردم و وظیفه مؤمنین در قبال آن حضرات اشاره نموده و می‌فرمایند:

اللهم إني أدت دینک فی کل أوان بامام أقمته علما لعبادک و منارا فی بلادک بعد أن

وصلت حبله بحبلک وجعلته الذریعة إلی رضوانک وافترضت طاعته وحذرت معصيته وأمرت بامثال أوامره والانتهاه عند نهیه و ألا يتقدمه متقدم ولا يتأخر عنه متأخر فهو عصمة اللائذین و كهف المؤمنین و عروة المستمسکین و بهاء العالمین (همان: دعای ۴۷)؛

بارپروردگارا، همانا تو دینت را در هر زمان به وسیله امامی که پیشوا بر بندگان ساختی و او را نشانه‌ای در شهرها قرار داده‌ای تأیید نموده‌ای بعد از آنی که او را وسیله ارتباط خود و بندگان قرار داده و سبب رسانیدنشان به بهشت گردانیدی و پیرویش را واجب و نافرمانیش را برحذر داشتی و به فرمانبری از دستوراتش و خودداری از هرآنچه باز دارد امر نمودی و دستور دادی از او پیشی نگیرند و نیز عقب‌تر از او حرکت نکنند. او (امام) نگهدارنده کسانی است که به او پناه برند و موجب ایمنی مؤمنین و دستگیره‌ای محکم برای کسانی است که به او تمسک کنند و سبب ارزشمندی عالمیان است.

۲-۳. تصحیح عقاید و تعلیم درخواست شایسته از خدا

اربعی نقل می‌کند که امام سجاده علیه السلام در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه نشستند بودند که ناگاه متوجه شدند گروهی در بحث اعتقادی خود، خدا را به خلق او تشبیه می‌کنند. امام از این سخنان برآشفته شده، از جا برخاستند و کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و شروع به خواندن دعایی کردند که مضمون آن نفی عقیده تشبیه بود. آن حضرت چنین به درگاه خداوند تضرع نمودند:

إلهی بدت قدرتك ولم تبد هیئة فجھلوك و قدروك بالتقدير علی غیر ما أنت به شھوك و أنا بریء یا إلهی من الذین بالتشبهه طلبوك ... (اربعی، بی‌تا: ۸۹)؛

پروردگارا، قدرتت آشکار شده و در قالب و هیأتی ظاهر نشده‌ای، پس تو را نشناخته و در اندازه‌هایی غیر از آنچه برآنی محدود کرده و به مخلوقات تو را تشبیه نموده‌اند و من ای پروردگارم، از کسانی که با شبیه ساختن به مخلوقات تو را می‌طلبند، بیزارم ...

همچنین، گاهی حضرت به کسانی برخورد می‌نمودند که نسبت به آنچه که از خداوند متعال، درخواست می‌کنند، آگاهی و معرفت کافی نداشتند. لذا حضرت با بیان یک دعا، آنچه که شایسته است انسان از خداوند طلب نماید را تعلیم می‌دادند؛ برای نمونه در کتاب شریف بحار الانوار چنین نقل شده است:



مر علی بن الحسین برجل و هو یدعو الله أن یرزقه الصبر فقال: ألا لاتقل هذا ولکن سل الله العافیه و الشکر علی العافیة، فان الشکر علی العافیة خیر من الصبر علی البلاء، کان من دعاء النبی: اللهم انی أسئلك العافیة و الشکر علی العافیة و تمام العافیة فی الدنیا و الاخرة (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۲/۲۹۲)؛

علی بن الحسین علیه السلام از کنار کسی می‌گذشت که دعا می‌کرد پروردگار به او صبر عطا کند، پس حضرت به او فرمودند: چنین مگو، بلکه از خدا عافیت را درخواست نما و شکرگزاری بر آن را؛ زیرا شکرگزاری بر عافیت بهتر از صبری بر بلاست، پیامبر اکرم علیه السلام چنین دعا می‌نمودند: پروردگارا از تو عافیت می‌طلبم و شکر بر آن را و عافیت کامل در دنیا و آخرت به من عطا نما.

عافیت و دوام و بقای آن، در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که در یک مناجات جداگانه، امام علیه السلام آن را از خداوند متعال، درخواست نموده است. در بخش‌هایی از این دعا چنین آمده است:

اللهم صل علی محمد و آله، و ألبسني عافیتک، و جللني عافیتک، و حصني بعافیتک، و أکرمني بعافیتک، و أغنني بعافیتک، و تصدق علی بعافیتک، و أفرشني عافیتک، و أصلح لی عافیتک، و لا تفرق بیني و بین عافیتک فی الدنیا و الاخرة ... (امام سجاد علیه السلام: دعای ۲۳)؛

پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و عافیت را بر من بیوشان و بر من آشکار ساز و مرا در پناه عافیت قرار ده و با آن گرمی بدار و به سبب آن مرا بی‌نیاز ساز و عافیت را بر من تصدق نما و مسیر مرا در عافیت و آن را موجب اصلاح من قرار ده و بین من و عافیت در دنیا و آخرت جدایی می‌فکن ...

۳. آموزه‌های تربیتی

از آنجا که هدف اصلی از دعا و ارتباط با خدا، رشد روحیه خدامحوری در انسان است تا مسیر زندگی‌اش در همه ابعاد رفتاری دارای سمت و سوی خدایی باشد، در بندهای مختلفی از ادعیه مأثور از امام سجاد علیه السلام توجه به این نکته دیده می‌شود که از باب نمونه می‌توان به تعالیم اخلاقی ذیل اشاره نمود:

۳-۱. تأکید بر کرامت در اخلاق و رفتار

در درون انسان دو نیروی متضاد وجود دارد و تکامل انسان بر اثر همین دو نیروی مخالف است

که در درون او در حال کشمکش هستند. اگر این تضاد نبود، تکامل وجود نداشت. یکی از این دو نیرو، عقل است که انسان را به سوی صفات عالی انسانی سوق می‌دهد و از رذایل اخلاقی باز می‌دارد. دیگری غرایز و خواسته‌های نفسانی است که جز لذت، چیزی نمی‌خواهد و برای عمل و کار خود، هیچ نوع حد و مرزی نمی‌شناسد.

در حقیقت، این غرایز، حکم موتور ماشین را دارند که به انسان، تحرک و جنبش می‌بخشد؛ در حالی که عقل، حکم ترمز را دارد و این غرایز را کنترل می‌کند و انسان را از سقوط در دره بدبختی باز می‌دارد.

رمز تکامل انسان در این است که در پرتو عقل و خرد، خویشتن را از هوا و هوس و خواسته‌های نابخردانه باز دارد و از روی حریت و آزادی، غرایز خویش را کنترل نماید؛ همان تکامل روحی و اخلاقی که بر اساس تضاد درونی استوار است.

بر این اساس، پرورش و ارتقای نفس انسانی به مرتبه‌ای که لیاقت و شایستگی خلافت و جانشینی خدا در روی زمین را داشته باشد و در بالاترین سطح از کمالات انسانی و اخلاقی قرار گیرد، سرلوحه اهداف بلند مریبان الهی است؛ تا آنجا که نبی مکرم اسلام هدف از بعثت خود را کامل نمودن کرامت و بزرگی در اخلاق و رفتار معرفی می‌نماید. در این راستا اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ و از جمله وجود نورانی امام سجاد ﷺ نیز تمام تلاش خود را در جهت سوق دادن جامعه اسلامی به سمت بالاترین کمالات معنوی و ترغیب افراد به کسب کامل‌ترین درجات ایمان و یقین و برترین نیات و فضایل اخلاقی به کار بستند. ترغیب و تحریر بر کسب مکارم اخلاق و صفات حسنه، در حد اعلای آن، از جمله مضامینی است که در دعا‌های حضرت سجاد ﷺ به چشم می‌خورد. در این باره حضرت در ابتدای دعای معروف به مکارم الاخلاق می‌فرمایند:

بلغ بايماني أكمل الايمان، واجعل يقيني أفضل اليقين، و انته بنيتي إلى أحسن النيات،
و بعملی إلى أحسن الاعمال.

و در بخش دیگری از همین دعا می‌فرماید:

و هب لي معالي الاخلاق (همان: دعای ۲۰)؛

پروردگارا، ایمان مرا به کامل‌ترین درجه برسان و یقینم را برترین یقین قرار ده و نیتم را به بهترین نیات و عملم را به نیکوترین اعمال منتهی گردان.



حضرت سجاد علیه السلام، پرورش روح، تحصیل کرامت نفس و ترغیب به کسب اخلاق کریمانه را در سایه دعا‌هایی همچون «و سدنی لان أعارض من غشني بالنصح، و أجزی من هجرنی بالبر، و أثیب من حرمنی بالذل، و أكافی من قطعنی بالصله، و أخالف من إغتابی إلى حسن الذکر، و أن أشکر الحسنه و أغضی عن السيئه»^۱ (همان)، به مردم آموزش داده و در قالب دعا به آنان تعلیم می‌دهند که انسان باید بدی را با خوبی پاسخ دهد و نه تنها از رفتار بد دیگران با کرامت نفس بگذرد، بلکه بهترین و زیبنده‌ترین رفتار را در پاسخ به رفتار ناشایست آنان از خود بروز دهد.

۳-۲. ایجاد روحیه امید در سایه توبه و انابه به درگاه پروردگار

کمتر انسانی پیدا می‌شود که در طول زندگی در برابر گناه و نافرمانی، مصونیت داشته باشد، بلکه نوع افراد به علی کم و بیش به گناه آلوده می‌شوند.

مصونیت و بیمه شدن افراد در برابر گناه و آلودگی به مقدار خویشتن‌داری آنان در برابر هوس بستگی دارد. گروهی که از تمالک نفسانی و خویشتن‌داری قوی و نیرومند برخوردارند، کمتر به گناه، آلوده می‌شوند و گاهی در پرتو قدرت خویشتن‌داری به پایه عصمت رسیده و مطلقاً در برابر گناه بیمه می‌گردند؛ ولی گروهی که خویشتن‌داری آنان ضعیف و ناتوان است و بسان بید لب جویبار، از هر سو بادی می‌آید، به آن سو متمایل می‌شوند، از طهارت و پاکی سهم کمتری خواهند داشت و پشت آنان از بار گران گناه، سنگین خواهد بود.

بزرگ‌ترین نعمت برای یک بیمار، موضوع امید به بهبودی اوست و اگر بیمار از بهبودی خود مأیوس و نومید گردید، چه بسا با اجل زودرسی از بین برود و قبل از اجل، جان بسپارد؛ در صورتی که امید به بهبودی در روح و روان او انبساطی پدید آورده و قوای درونی را برای راندن بیماری آماده می‌سازد.

فرد گنه‌کار، یک بیمار روحی است؛ اگر از مغفرت و آمرزش خدا مأیوس گردد و در زندگی آینده، هیچ نوع روزنه امیدی را مشاهده نکند، هرگز به فکر اصلاح و پاکی خویش نمی‌افتد و نه تنها از گناهان دیرینه خویش ابراز ندامت نکرده و دست بر نمی‌دارد، بلکه روز به روز پشت او از بار

۱. و مرا یاری رسان تا برای کسی که مرا فریب داده خیرخواه باشم و کسی را که از من دوری گزیده، با نیکی جزا دهم و کسی که مرا محروم ساخته، بهره‌مند سازم و به کسی که رابطه خویشی را با من قطع کرده، ببیوندم و کسی را که از من بدگویی کرده، به نیکی یاد کنم و از خوبی‌ها تشکر کنم و از بدی‌ها چشم‌پوشم.

گناه سنگین تر و پرونده زندگی او سیاه تر می گردد.

یکی از ویژگی ها و نکات برجسته ای که در ادعیه حضرت زین العابدین علیه السلام دیده می شود، تبه بندگان خداوند به پاکی و دوری از گناه و ایجاد امید در دل آنان با توبه و انابه به درگاه پروردگار است. برای تحقق این هدف، حضرت از شیوه های گوناگونی استفاده نموده است؛ گاهی اوقات امام علیه السلام به تبیین حالات انسانی که در آستانه مرگ قرار گرفته، پرداخته و از این طریق، روحیه خدا ترسی را در دل ها ایجاد نموده اند؛ مانند این بخش از مناجات حضرت که می فرمایند:

وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفَرَّاشِ تَقْلِبْنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي، وَ تَفَضَّلْ عَلَى مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ
يُقْلِبْنِي صَالِحُ جِيرَتِي، وَ تَحْتَنِّ عَلَى مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي، وَ جَدَّ
عَلَيَّ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلَتْ بَكَ وَحِيداً فِي حَفْرَتِي، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غَرَبَتِي
حَتَّى لَا أُسْتَأْنَسَ بِغَيْرِكَ (محدث قمی، ۱۳۸۲: ۳۹۵)؛

و به من رحم فرما در حال افتادن در بستر مرگ که دست های دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند، و به من محبت فرما، در آن حال که روی تخت غسل خانه به صورت درازا افتاده ام و همسایگان شایسته مرا به این سو و آن سو برمی گردانند و بر من تفضل کن و در وقت حمل شدنم که بستگانم گوشه های جنازه ام را به دوش برداشته اند و در حالت حمل شدنم، که تنها در قبرم وارد پیشگاه تو شده ام بر من جود نما و در این خانه جدید بر غربتم رحم کن تا به غیر تو انس نگیرم.

گاهی با عذر تراشی مقبول، درصدد اتصال دوباره عبد با خداوند متعال برآمده اند؛ مانند بخش های ذیل از مناجات حضرت که می فرمایند:

إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ، وَأَنَا بِرَبِّيَّتِكَ جَا حِدٌ، وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخَفٌّ، وَلَا
لِعَقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لَوْعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ، لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَ
غَلَبَنِي هَوَايَ وَ أَعَانَتْنِي عَلَيْهَا شَقَوْتِي... (همان، ۳۹۰)؛

«پروردگارا، نافرمانیم از باب انکار ربوبیت تو نبود و امرت را سبک نشمرده بودم و خودم را با گستاخی در معرض عقوبت قرار نداده بودم و ترساندنت از عذاب را با دیده خواری نگریستم، بلکه خطایی بود که بر من عارض شد و نفسم را برایم آراست و بدبختی هایم مرا بر آن یاری داد ...»

گاهی با کریم شمردن خداوند متعال، امید به پذیرش دوباره را در درون شخص زنده

نموده‌اند؛ مانند این بخش:

فإن عفوت يا رب فطال ما عفوت عن المذنبين قبلي، لأنَّ كرمك أي ربَّ يجلَّ عن مكافات المقصرين وأنا عائدٌ بفضلِكَ، هاربٌ منك إليك ... (همان، ۳۸۸)؛

اگر ببخشی ای پروردگارم (چقدر نیکوست)؛ چرا که بسیار بر گناه‌کاران قبل از من بخشیدی؛ زیرا کرم‌تر از این است که کوتاهی کنندگان را مجازات کنی و من به فضل تو پناهنده‌ام و از تو به سویت گریزان ...

تعبیری نظیر «إلهي إن أدخلتنی النار ففي ذلك سرور عدوك و إن أدخلتنی الجنة ففي ذلك سرور نبيك و أنا والله أعلم أن سرور نبيك أحب إليك من سرور عدوك ...»^۱ (همان، ۴۰۰) در مناجات‌های حضرت، یأس و ناامیدی را از دل شخص، ریشه کن می‌سازد و انگیزه توبه و بازگشت به مسیر پاکی را برای او دوچندان می‌سازد.

امام سجاده علیه السلام همچنین در دعا‌های خویش در طلب توبه، شرایطی نظیر دوری از تکبر نسبت به خداوند، پرهیز از اصرار بر گناه، استغفار و جبران مافات را نیز گوشزد می‌فرماید؛ مانند این بخش از دعا:

و أنا أبرء إليك من أن أستكبر، وأعوذ بك من أن أصرو وأستغفرک لما قصرت فيه، و أستمین بك علی ما عجزت عنه^۲ (امام سجاده علیه السلام: دعای ۱۲).

۳-۳. سپاس‌گزاری از نعمت‌های خداوند

شکر به معنای اظهار نعمت و نشر و پخش آن است و در برابر کفر نعمت - که فراموش کردن و پنهان نمودن نعمت است - قرار می‌گیرد. سپاس‌گزاری و شکر و تقدیر از منعم، از مفاهیمی است که انسان به راهنمایی عقل، آن را درک می‌نماید؛ درک عقلی که از پایه‌های اولیه در شناخت خداوند و توجه پیدا کردن به نعمت‌های بی‌کران او محسوب می‌شود و توجه به نعمت‌های خداوند نیز، حس تقدیر و شکرگزاری را در انسان زنده می‌کند.

۱. پروردگارا، اگر مرا در آتش داخل کنی، دشمنت شادمان گردد و اگر مرا در بهشت وارد سازی، پیامبرت شادمان شود و من به خدا سوگند! می‌دانم که شادی پیامبرت نزد تو از شادی دشمنت محبوب‌تر است.

۲. و من براءت می‌جویم از این که تکبر ورزم، و به تو پناه می‌برم از این که بر گناه اصرار ورزم، و از آنچه در آن کوتاهی کردم، آموزش می‌طلبم و از تو بر انجام آنچه از انجامش ناتوانم، مدد می‌جویم.



قدردانی از مقامی که این همه نعمت در اختیار انسان نهاده است؛ گر چه نشانه لیاقت و شایستگی انسان در مورد الطافی است که در حق او انجام گرفته است، لکن مهم‌تر از آن، دانستن این نکته است که نه تنها از شمارش نعمت‌ها که از شکر آن‌ها نیز عاجز است و باید توفیق سپاس‌گزاری از خدای مهربان را نیز از نعمت‌های او به حساب آورد. امام سجاد (علیه السلام) در یکی از مناجات‌های خود به این مسأله اشاره نموده و می‌فرماید:

فَالْآنَ كَجَمَّةٍ ضَعِفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا، وَنِعْمَاتِكَ كَثِيرَةٌ قَصُرَ فَهْمِي عَنْ إدْرَاكِهَا فَضْلاً
عَنْ إِسْتِقْصَائِهَا فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ، فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ
الْحَمْدَ، وَجَبَ عَلَيَّ لَذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدَ ... (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۶/۹۱)؛

زبانم از شمارش تمامی نعمت‌هایت ناتوان است و نعمات تو بسیار است و فهم من از درک آن کوتاه؛ چه رسد به شمارشش و چگونه شکر کنم، در حالی که همین شکر کردنم نیازمند شکری دیگر است. پس هر زمان حمد تو گویم، واجب است به همین سبب تو را حمد کنم.

یا در جای دیگر می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يَلْزِمُهُ شُكْرًا، وَلَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ، وَإِنْ اجْتَهِدَ إِلَّا كَانَ مَقْصُورًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ، فَأَشْكُرُ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَأَعْبُدُكَ مَقْصُورٌ عَنْ طَاعَتِكَ (امام سجاد (علیه السلام): دعای ۳۷)؛

بارپروردگارا، هیچ‌کس به نهایت شکر تو نمی‌رسد، مگر این‌که از نیکی و احسان تو چیزی برایش حاصل می‌شود که شکری لازم دارد و به تمامه نمی‌تواند تو را اطاعت کند؛ جز این‌که کمتر از استحقاق تو را اطاعت نموده، به سبب فضلی که بر من داری تو را شکرگزارم، بندگان از شکر تو عاجزند و عبادت کنندگانشان از اطاعت تو وامانده.

حضرت در موردی دیگر، به کثرت نعمت‌ها و الطاف پیاپی خداوند در حق بندگان اشاره نموده و همین امر را باعث غفلت از شکر کردن و ناتوانی انسان از سپاسگزاری دانسته و می‌فرماید:

إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعَ طَوْلِكَ، وَأَعْجِزْنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضِلَّ فَضْلُكَ، وَشَغَلْنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادَفَ عَوَائِدِكَ ... (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۶/۹۱)؛

پروردگار من، نعمت‌های پی در پی تو مرا از شکرگزاری و جوشش فضلت مرا از شمارش نیکی‌هایت ناتوان ساخته و پشت سرهمی آنچه به من عطا می‌نمایی مرا از بیان صفات نیکویت مشغول ساخته...

در واقع، می‌توان گفت که پیام چنین ادعیه‌ای، توجه دادن بندگان به نعمت‌های بی‌شمار الهی و ایجاد روحیه قدردانی نمودن از خداوند به سبب این نعمت‌ها و معرفت به عجز از شکرگزاری است.

۳-۴. نیکی به پدر و مادر

پس از خداوند، بزرگ‌ترین خدمتی را که بشری در باره بشری انجام می‌دهد، خدمات ارزنده پدر و فداکاری‌های مادر است. هستی انسان در مراحل بعدی در گرو خدمات ارزنده آنان است و پدر و مادر در دوران بارداری و کودکی، زحمات توان‌فرسایی را متحمل می‌شوند و در حق کودک خود مبذول می‌دارند. اگر از طرف این دو باغبان وجود، چنین خدماتی انجام نمی‌گرفت، نهال وجود تمام انسان‌ها می‌خشکید.

به همین مناسبت، قرآن مجید، پس از مسأله شکرگزاری خدا، موضوع نیکی بر پدر و مادر را مطرح می‌کند تا انسان به بزرگ‌ترین وظیفه اخلاقی و وجدانی خویش مطلع و آگاه گردد و در سایه عمل بدان، تربیت یافته و قدردانی از ولی نعمت خود را بیاموزد.

از جمله مفاهیم بلند تربیتی که در دعای امام زین العابدین (علیه السلام) دیده می‌شود، توجه دادن به اهمیت مقام پدر و مادر و نیکی و احسان در حق آنان است. در بخشی از دعا‌های حضرت، در بیان چگونگی نگاه فرزند به والدین و لزوم فرمان‌بری از آنان و کوچک شمردن نیکی‌هایی که در حقشان انجام داده، چنین آمده است:

اللهم اجعلني أهابهما هيبة السلطان العسوف وأبرهما برّ الأم الرؤف، واجعل طاعتي
لوالديّ و برّي بهما أقرّ لعيني من رقدة الوستان وأثلج لصدري من شربة الظمآن حتى
أوثر على هواي هواهما، وأقدم على رضاي رضاهما وأستكثر برهما بي وإن قلّ و
أستقلّ برّي بهما وإن كثّر (امام سجاده (علیه السلام): دعای ۲۴)؛

پروردگارا، مرا به گونه‌ای قرار ده که پدر و مادر در نظرم هیبتی مانند سلطان ستم‌گر داشته باشند و به گونه مادری دل‌سوز به آنان نیکی کنم و نیکی‌ام به پدر و مادر و اطاعت از آن دو را برایم بیش از خواب شیرین موجب چشم‌روشنی و بیش از شربت گوارا موجب خنکی سینه‌ام قرار ده تا آنجا که میل آنان را بر خواست خودم ترجیح دهم و رضایتشان را بر خشنودی خود مقدم سازم و نیکی آنان را به خودم بسیار شمارم؛ هرچند اندک باشد و نیکی‌ام را به آنان کم ببینم؛ هرچند زیاد باشد.



تعالیم عالی و انسان ساز امام علیه السلام در تکریم و تعظیم پدر و مادر، از هر نظر بی سابقه است. عواطف و محبت های عمیق و ریشه داری که امروز در جامعه اسلامی، متأثر از این تعالیم، میان فرزندان و اولیا وجود دارد، از هر جهت ستایش پذیر و از دیده جامعه شناسان حایز اهمیت است. تعابیری نظیر:

اللهم خفض لهما صوتی، وأطب لهما کلامی وألن لهما عریکتی واعطف علیهما قلبی و صیرنی بهما رفیقاً و علیهما شفیقاً (همان: دعای ۲۴)؛

پروردگارا، صدایم را برای آن دو پایین بدار و سخنم را با آنان آرامش بخش و رفتارم را نسبت به آنان نرم ساز و قلبم را متوجه آن دو بنما و مرا دوستدار و دل سوزشان بگردان. اوج محبت و مهرورزی و قدرشناسی نسبت به پدر و مادر را تعلیم می دهد و به راستی حضرت در این کلامات نورانی، در تحکیم اصل حیاتی «عاطفه» - که نشاط و لذت زندگی بستگی به آن دارد - حداکثر کوشش را به عمل آورده و با تعابیر گوناگون و ستودنی، اساس آن را محکم نموده است.

۳-۵. توجه به تربیت فرزندان

مسائل مربوط به تعلیم و تربیت فرزندان، یکی از امور مهم اجتماع کنونی بشر است که فکر دانشمندان را به خود متوجه ساخته، و از این راه، فصل تازه ای در علوم تربیتی و پرورشی، بازگشوده شده و افکار تازه و سودمندی در این باره به مراکز و محافل تربیتی عرضه شده است. امروز در اروپا و آمریکا کانون های گرم خانوادگی، رو به انحلال گذاشته و زندگی ها به صورت زندگی ماشینی درآمده است. هنوز فرزندان به حد کامل از بلوغ نرسیده، مطابق تقاضای محیط، حساب خود را از پدر و مادر جدا کرده و دور از محیط والدین زندگی می کنند و این کار که به عمل غیر انسانی بیشتر شبیه است، زیر این لفافه - که نباید فرزندان سربار والدین باشند و از آغاز بلوغ، خود را برای سختی های زندگی آماده سازند - انجام می گیرد؛ در صورتی که روح مطلب غیر از این است؛ زیرا تربیت رشدی و فکری فرزندان و آشنا ساختن آن ها به رموز زندگی، هرگز نیازی به طرد آنان از کانون گرم زندگی دسته جمعی ندارد تا رشته عواطف از هم گسسته شود و محیط گرم خانوادگی از بین برود.

در چنین فضایی است که تعالیم حضرت درباره اهتمام ورزیدن به تربیت فرزندان و توجه به عواطف و اخلاقیات آن ها، ارزش خود را نشان می دهد.



امام سجاد علیه السلام در ابتدا، پس از دعا برای طول عمر و سلامتی فرزندان، توفیق در تربیت آنها را در سه بعد تربیت رشدی و دینی و اخلاقی، از خداوند متعال درخواست نموده و می‌فرمایند:

اللهم وُمنّ علیّ ببقاء ولدی و یا صلاحهم لی و یا متاعی بهم . إلهی امدد لی فی أعمارهم و زد لی فی أجالهم و ربّ لی صغیرهم و قو لی ضعیفهم و أصح لی أبدانهم و أدیانهم و أخلاقهم (همان: دعای ۲۵)؛

پروردگارا، با باقی ماندن فرزندانم و اصلاحشان برای من و بهره‌مندیم از آنان بر من منت نه. پروردگارا، برایم عمرشان را طولانی کن و اجلشان را بیفزا و کوچکشان را برایم رشد ده و ناتوانشان را قوت بخش و تن و دین و اخلاقشان را برایم سالم و صحیح گردان.

امام علیه السلام همچنین دو عامل تنبیه و تشویق را لازمه تربیت صحیح و اسلامی برشمرده و می‌فرمایند:

و أعنی علی تربیتهم و تأدیبهم و برهم ... (همان).

۳-۶. توجه به خداوند متعال و امید به او در سختی‌ها و مشکلات

خوف و رجا و بیم و امید دو عامل روحی است که در تکامل انسان، نقش مؤثری دارند و هیچ نوع بهبود و اصلاحی، بدون این دو امر صورت نمی‌پذیرد. به عبارتی، آنچه چراغ زندگی را برافروخته نگاه می‌دارد رجا و امید است تا آنجا که چرخ زندگی بشر حتی در تجارت و بازرگانی نیز بر محور امید به سود و بیم از ضرر و زیان می‌چرخد.

انسان خواه ناخواه در زندگی به مسائل و مشکلاتی برخورد می‌کند که ممکن است معیشت و کسب او را متغیر سازد یا صحت و سلامتی او را به مریضی و ناخوشی احوال مبدل گرداند. اگر در چنین پیشامدهایی، امیدواری به خداوند دررفع ناگواری‌ها و مشکلات وجود داشته باشد، تحمل سختی‌ها بر انسان آسان شده و تلاش او در سر و سامان دادن به زندگی بیشتر می‌گردد.

توجه به همین امر، سبب شده که امام سجاد علیه السلام با دعا، تکیه بر خداوند و توجه به او در رفع مشکلات را تعلیم داده و امید به برطرف شدن سختی‌ها را در دل‌ها زنده نمایند.

در برخی از مناجات‌های حضرت چنین آمده است:

یا من تُحلّ به عُقْدُ المکاره، و یا من یُفْثَأ به حَدّ الشدائد، و یا من یُلْتَمَس منه المَخْرَج
إلی روح الفرج، ذَلَّتْ لِقَدْرَتِكَ الصعاب و تَسَبَّيْتُ بِلُطْفِكَ الأسباب ... أنت المدعو
للمهمات و أنت المفزع فی الملمات، لا یندفع منها إلا ما دفعت و لا ینکشف منها إلا

ما کشف ... وافتح لی یا ربّ باب الفرج بطولک واکسر عنی سلطان الهمّ بحولک...»
(همان: دعای ۷)؛

ای کسی که به دست او گره مشکلات گشوده شود، و ای کسی که تیزی سختی‌ها به سبب او کند گردد، و ای کسی که از او درخواست راهی برای رفتن به سمت شادی گشایش می‌شود، سختی‌ها در برابر قدرت تو ذلیل اند و اسباب با لطف تو سببیت دارند ... تویی که برای امور مهم خوانده می‌شوی و تویی که در سختی‌ها نزدت فزع و زاری کنند، مشکلات جز آنچه تو دفع کنی برطرف نشوند و سختی‌ها جز آنچه تو برطرف کنی از بین نروند ... پروردگارا، از باب لطف در گشایش را به سوی من باز نما و با حول و توانت سلطه هم و غم را از من بشکن.

از آنجا که عواملی نظیر اسراف و تبذیر، میانه‌رو نبودن در زندگی و نداشتن عقل معاش می‌تواند سبب پیدایش بدهی بر دوش انسان گردد، امام علی (ع) در ضمن دعا بر این نکات تذکر و تنبه داده و دوری از این امور را از خداوند منان طلب نموده و می‌فرمایند:

واحجبني عن السرف و الازدياد، و قومي بالبذل و الإقتصاد، و علمني حسن التقدير، و
اقبضني بلطفك عن التبذير، و أجز من أسباب الحلال أرزاقی... (همان: دعای ۳۰)؛

مانعم شو از این که اسراف و زیاده‌روی کنم و با بخشش و میانه‌روی مرا قوام بخش و اندازه‌گیری نیکو را به من تعلیم ده و با لطف مرا از تبذیر باز بدار و از راه‌های حلال رزق مرا برسان ...

سلامتی از جمله بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که خداوند به بندگانش عنایت نموده و تا زمانی که انسان این نعمت بی‌بدیل را از دست نداده است، پی به اهمیت آن نمی‌برد و ارزش و قیمت آن برایش آشکار نمی‌گردد. در سایه سلامتی و صحت بدن است که زندگی گوارا و شیرین شده و با از دست رفتن آن، بالاترین لذت‌ها در مذاق انسان تلخ می‌گردد. به همین دلیل امام سجاده (ع) در قسمتی از دعای معروف به ابوحمزه، سلامتی را از خداوند، طلب نموده و می‌فرمایند:

اللهم أعطني ... الصحة في الجسم والقوة في البدن (محدث قمی، ۱۳۸۲: ۳۹۸).

البته اگر چه به واسطه ابتلا به بیماری، زندگی برای انسان مشکل و سخت می‌گردد، لکن اگر انسان بداند که بر ابتلا به بیماری، چه آثار خیری مترتب می‌گردد، تحمل بیماری بر او آسان می‌شود. طبق تعالیم دینی ما، عارض شدن بیماری به انسان، موجب پاکی و طهارت روح می‌گردد.

۳-۷. ترغیب بر تحصیل اخلاقیات نیکو

انسان در مقام خود، جهان کوچکی است که در درون او، نیروهای بی‌شماری نهفته است؛ در وجود او انواع قدرت‌ها، انواع فضایل، موجود است که باید به تدریج با آن‌ها آشنا گردد و آن‌ها را استخراج کند. تعالیم پیامبران و مربیان الهی بر اساس پرورش فضایل اخلاقی است که در درون انسان‌ها نهفته است. آنان بیش از آن که آموزگاران‌اند، نوآوران‌اند؛ پرورش‌دهنده صفات و کمالات هستند که جمله این صفات در سرشت آدمیان نهفته است و ثمره تربیت آنان، بروز استعدادهای درونی بشر است.

تواضع و فروتنی، توکل، واگذاری امور به خداوند متعال، میانه‌روی در همه حالات، غبطه به جای حسادت‌ورزیدن، عیب‌پوشی، نرم‌خویی و ... از جمله مفاهیم بلند تربیتی است که امام سجاده علیه السلام در دعا، اتصاف به آن‌ها را از خداوند متعال در خواست می‌نماید. در واقع، حضرت با این ادعیه درصد ترغیب انسان‌ها به شکوفا نمودن استعدادهای درونی خویش و پرورش روح و روان خود بر اساس فضایل اخلاقی هستند. در ذیل به بیان و شرح برخی از این محسنات اخلاقی - که در ادعیه حضرت سجاده علیه السلام وارد شده - می‌پردازیم:

۳-۷-۱. تواضع و فروتنی

یکی از بزرگ‌ترین محسنات رفتاری - که انسان را به سوی صفات عالی انسانی سوق می‌دهد - تواضع و فروتنی است. در سایه این فضیلت اخلاقی است که پیمودن مسیر سعادت در زندگی برای انسان هموار شده و تحمل سختی‌ها و ناملایمات زندگی آسان می‌گردد؛ چه این‌که انسان متواضع، کارها را بر خود سخت نمی‌گیرد، داشته‌های خود را ناچیز می‌شمرد و در راه تحصیل کمالات بیشتر از پای نمی‌نشیند. البته باید بدانیم که تواضع مراتبی دارد که جامع همه آن‌ها این است که انسان در برابر حق و حقیقت خاضع باشد. تواضع در برابر خدا از طریق انجام عبادت و ترک محرمات، تواضع در برابر پیامبران و اعتراف به رسالت آنان، تواضع در برابر قوانینی که از جانب خدا برای سعادت جامعه فرستاده شده است و عمل به مجموعه آن‌ها، تواضع در برابر قوانین آفرینش و استوار نمودن زندگی بر اساس این قوانین و تواضع در برابر بندگان خدا از جمله مراتب تواضع است؛ اما معمولاً هر گاه در بین مردم، از تواضع سخن گفته شود، ذهن مردم به قسم اخیر از تواضع، منتقل می‌گردد؛ در صورتی که



این نوع از فروتنی، شاخه‌ای از تواضع مطلق است که عقل و دین ما را به آن دعوت می‌کند (سبحانی، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

در بخشی از ادعیه امام علیه السلام در ترغیب به داشتن روحیه تواضع و فروتنی چنین آمده است:

اللهم صل علی محمد وآله، ولا ترفعنی فی الناس درجة إلا حططتني عند نفسي
مثلها، ولا تحدث لی عزاً ظاهراً إلا أحدثت لی ذلة باطنة عند نفسي بقدرها (امام
سجاد علیه السلام: دعای ۲۰)؛

پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا در بین مردم درجه‌ای بالا نبر، مگر
این که به همان اندازه در درون خودم تنزل دهی و برای من عزتی ظاهر نکن، مگر
این که در درونم به همان اندازه ذلیل گردانی.

۳-۷-۲. توکل بر خداوند

انسان در موقعی که با پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها مواجه می‌گردد و احساس می‌کند که به
تنهایی قادر بر حل مشکلات نیست، کسی را که توانایی انجام آن کار را دارد، وکیل خود قرار
می‌دهد و از این طریق بر قدرت و توانایی خویش توسعه و گسترش می‌بخشد.
عین این حقیقت، درباره توکل بر خدا حکم فرماست. انسان در طول زندگی خود با مشکلات و
پیچیدگی‌ها، با مصائب و بن بست‌ها مواجه بوده و احساس می‌کند که به تنهایی قادر بر انجام
دادن آن کارها نیست. چنین انسانی، برای رفع حقارت و ضعف خود، باید با تثبیت به عوامل
طبیعی و اسباب مادی از نیروی غیبی و قدرت بی‌پایان خدا استمداد جوید که او را در راه هدف،
موفق و پیروز گرداند.

امام سجاد علیه السلام در بخش‌هایی از مناجات‌های خویش در تحریص به امیدداشتن به خدا و
توکل به او می‌فرمایند:

یا من إذا سئله عبد أعطاه، وإذا أتمل ما عنده بلغه مناه، وإذا أقبل إليه قربه وأدناه ... و
إذا توکل علیه أحسبه وكفاه (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۱/۱۴۴)؛

ای کسی که وقتی بنده از او درخواست کند، عطا نماید و هرگاه به او امیدوار باشد، او را
به آرزویش برساند و هر زمان که به سوی او رو آورد، او را مقرب سازد... و هر زمان بر او
توکل کند، او را کفایت نماید.

۳-۷-۳. واگذاری امور به خالق هستی و رضایت به مقدرات

جهان طبیعت، جهان اسباب و مسببات است؛ هر بود و نبودی به دنبال علت طبیعی است که معلول خود را به دنبال دارد؛ ولی باید توجه نمود که پدیده‌ها و نمودهای طبیعی، حرکت‌ها و جنبش‌ها، تحولات و دگرگونی‌ها هرچند در گرو یک رشته علت‌های طبیعی و مادی قرار دارند و تمام بوده‌ها و نمودها، در محیطی سازمان‌یافته، گام به پهنه هستی می‌نهد، ولی از نظر یک فرد الهی، مجموع این علت‌ها و معلول‌ها به نخستین علت و مبدأ اول - که سرسلسله تمام جنبش‌ها و تغییرات و تحول‌هاست - بازگشت می‌کنند و همه این علل و اسباب به فرمان او کار کرده و طبق اراده و خواست او انجام وظیفه می‌نمایند.

واگذاری امور بر خداوند و استمداد از قدرت بی‌پایان او، شاخه‌ای از توحید در افعال است و در روایات ما به عنوان یکی از ارکان ایمان، مطرح شده است که شخص موحد و مؤمن و معتقد، مؤثر حقیقی را در هر مقام و مکانی، خدا می‌داند. از این جهت، قبلاً باید به اسباب و علل ظاهری تمسک نماید و برای رفع هر نوع نارسایی که در اسباب طبیعی احساس می‌نماید و حصول نتیجه‌ای که خیر و صلاح او را تأمین کند، کارهایش را به خداوند توانا واگذار نموده، از قدرت مطلق جهان، استمداد کند که او را در این راه مدد نماید و آنچه به مصلحت اوست، برایش مقدر گرداند و نسبت به آنچه خداوند متعال برایش مقرر می‌دارد، راضی و تسلیم باشد.

در کلمات نورانی امام سجاد (علیه السلام) این مسأله فراوان به چشم می‌خورد. در برخی از ادعیه حضرت چنین آمده است:

اللهم انی أستخیرک بعلمک، فصل علی محمد وآله، واقض لی بالخیرة، وألهمنا معرفة الاختیار، واجعل ذلک ذریعة إلى الرضا بما قضیت لنا و التسلیم لما حکمت ...
(امام سجاد (علیه السلام): دعای ۳۳)

پروردگارا، به جهت علمی که داری، از تو درخواست خیر و خوبی دارم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و در مورد من به نیکی حکم نما و به ما شناخت انتخاب ارزانی دار و آن را وسیله‌ای برای رسیدن به رضایت به آنچه برایمان مقدر ساخته‌ای و تسلیم در برابر حکمتت قرار ده...

مناجات‌هایی نظیر: «فصل علی محمد و آل محمد و تول قضاء کل حاجة هی لی بقدرتک



علیها و تیسیر ذلک علیک و بفقری إلیک و غناک عَنّی فَإِنِّی لَمْ أَصْبْ خَیْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْکَ و لَمْ یَصْرِفْ عَنِّی سَوْءًا قَطُّ أَحَدٌ غَیْرُکَ و لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِی و دُنْیَایَ سِوَاکَ»^۱ (همان: دعای ۴۸)، اوج امید به خدا و سپردن امور به خالق هستی را تعلیم می‌دهد.

۳-۷-۴. غبطه به جای حسد ورزیدن به دیگران

از جمله تعلیم مهم تربیتی در کلام امام سجاد (علیه السلام)، ریشه کن کردن عوامل کدورت در درون انسان‌ها و برقراری پیوند محبت بین دوستان و بستگان و همسایگان است؛ چرا که جامعه‌ای که بر آن، چشم و هم‌چشمی، حقیر شمردن دیگران، سبقت گرفتن بر دنیا و... حاکم باشد، روی سعادت را نمی‌بیند و از تعلیم الهی فاصله گرفته و تنش و دل‌خوری بر آن سایه افکنده و صفا و صمیمیت، جای خود را به دشمنی و عداوت و تلاش برای زمین خوردن دیگران می‌دهد. لذا حضرت در ادعیه خویش، مردم را از حسد برحذر داشته، به میانه‌رو بودن و خوش‌رفتاری با سایرین ترغیب می‌نمایند. در برخی از دعا‌های حضرت در این ارتباط چنین آمده است:

اللهم صل علی محمد و آله، و ارزقنی سلامة الصدر من الحسد حتی لا أحسد أحداً من خلقک علی شیء من فضلک، و حتی لا أری نعمة من نعمک علی أحد من خلقک فی دین أو دنیا، أو عافیة، أو تقوی، أو سعة، أو رخاء إلا رجوت لنفسی أفضل ذلک بک و منك و حدک لا شریک لک (همان: دعای ۲۲).

۳-۸. پرهیز از رفتارهای مذموم و رذایل اخلاقی

سقوط و انحطاط انسان به طور تدریج انجام می‌گیرد و انسان کم‌کم گام به سوی پرتگاه برداشته و به تدریج در دره نابودی سقوط می‌کند. تاریخ، بیان‌گر سرگذشت انسان‌های فراوانی است که ابتدا در زمره نیکان و صالحان بوده و در کسب شایستگی‌ها سرآمد دیگران به حساب می‌آمدند، اما با مرور زمان و عدم توجه به آسیب‌های اخلاقی، آرام آرام از مسیر سعادت منحرف شده و توفیقات الهی از آنان سلب شده و زمانی خود را یافتند که در ورطه سقوط و هلاکت فرو رفته

۱. پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و به من سلامت درون از حسد عنایت کن تا نسبت به هیچ‌یک از مخلوقات به خاطر آنچه از فضلت به او عطا نموده‌ای حسادت نکنم و تا این‌که نبینم نعمتی را از نعمت‌هایت در دین یا دنیا یا عافیت یا تقوا یا سعه رزق یا گشایش در کارها که به کسی داده‌ای؛ مگر این‌که بهتر از آن را برای خودم از طرف تو و به سبب تو امید داشته باشم. یکتا هستی و شریکی نداری.

بودند. به همین جهت است که در کلام امام سجاد علیه السلام، پرهیز از اخلاقیات سوء و مراقبت درونی از ابتلاء به رذایل اخلاقی و رفتارهای ناپسند و مذموم مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در برخی از مناجات‌ها، حضرت، ضمن اشاره به عوامل سلب توفیق، از خداوند بخشنده، آمرزش و غفران و بازگشت به مسیر هدایت و سعادت را طلب می‌نمایند؛ مانند بخش‌هایی از این مناجات:

... مالی کَلَّمَا قُلْتَ قَدْ صَلَحْتَ سِرِّتِي وَ قَرَّبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَّابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضْتَ لِي بَلِيَّةَ أَزَالَتْ قَدَمِي وَ حَالَتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ خِدْمَتِكَ، سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَ عَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخَفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي ... (محدث قمی، ۱۳۸۲: ۳۸۷)؛

... چه شده مرا که هر زمان که گمان می‌کنم درونم اصلاح شده و به مجلس توبه کنندگان نزدیک شده‌ام، بلایی بر من عارض می‌شود که قدمم را سست می‌کند و بین من و خدمت به تو فاصله می‌افتد، آقای من! شاید مرا از درخانه ات رانده‌ای و از خدمت بازداشته‌ای یا شاید مرا خفیف کننده حقت دیده و از خود دور کرده‌ای یا شاید مرا دوری کننده از خودت یافته و بر من خشم گرفته‌ای یا شاید مرا دروغ‌گو یافته و رانده‌ای یا مرا شکرگزار نعمت‌هایت نیافته و محروم ساختن‌ای یا مرا در محفل علما نیافته و خوار گردانده‌ای ...

۴. نتیجه

از مهم‌ترین دلایل شهرت امام سجاد علیه السلام و محبت ایشان در میان مردم، انتشار جملات زیبای حضرت در قالب دعا بود که همه را به خود جذب می‌کرد و حضرت نیز توانستند با استفاده از چنین فضایی، معارف ناب شیعی و درس‌های بلند اخلاقی و تربیتی را برای مردم بیان نمایند و از این طریق، به تربیت و پرورش نفوس مستعد در جامعه آن روز بپردازند و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد نمایند. وجود مشکلات رفتاری - که امروزه در جوامع اسلامی و به ویژه در میهن اسلامیمان دیده می‌شود - حاصل دوری از آموزه‌های مزبور و تکیه بر دانش بشری صرف در حل معضلات رفتاری بشر است. از این رو، به نظر می‌رسد بتوان

با پژوهش و استخراج الگوهای رفتاری ارزشمندی که در این ادعیه نهفته، زمینه را برای تغییر سبک زندگی و تحول رفتاری به سمت رفتارهای مطلوب دینی فراهم نمود. اکنون پس از گذشت سالیان مدید، این گنجینه‌های معارف الهی در مجموعه‌هایی تدوین شده و به دست ما رسیده است. برخی از تعالیم اخلاقی و تربیتی و اعتقادی برگرفته از مناجات‌ها و دعا‌های آن امام بزرگوار بدین قرار است: تأکید بر مسأله ولایت اهل بیت رسول خدا و پیوند ناگسستنی آنان با رسول گرامی خدا، تصحیح عقاید و تعلیم صحیح درخواست از خداوند، کرامت در اخلاق و رفتار، ایجاد روحیه امید به خدا در سایه توبه، سپاس‌گزاری از نعمت‌های پروردگار، نیکی به والدین، توجه به تربیت فرزندان، توجه به خدا و امید به او در سختی‌ها و مشکلات، ترغیب بر تحصیل اخلاقیات نیکو و پرهیز از رذایل اخلاقی.



کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید. (۱۳۸۷ق). شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دار الاحیاء الکتب العربیه.
۲. ابن حجر عسقلانی. (بی تا). تهذیب التهذیب، بیروت: دار صادر.
۳. اربلی، علی بن عیسی. (بی تا). کشف الغمة فی معرفة الائمة، تحقیق: سید هاشم رسولی، تبریز: بی نا.
۴. اصفهانی، ابو نعیم. (۱۳۸۷ق). حلیة الاولیاء، بیروت: دار الکتب العربی.
۵. تهرانی، علامه شیخ آقا بزرگ. (۱۴۰۳ق). الذریعة إلى تصانیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء.
۶. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۴ش). سیمای انسان کامل در قرآن، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
۷. سید رضی. (۱۳۷۸ش). نهج البلاغه، ترجمه: دکتر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پانزدهم.
۸. امام علی بن الحسین (سجاد) (علیه السلام). (۱۳۸۶ش). صحیفه سجادیه، تصحیح: میرزا ابو الحسن شعرانی، قم: انتشارات قائم آل محمد، چاپ ششم.
۹. محدث قمی. (۱۳۸۲ش). مفاتیح الجنان، قم: انتشارات پاریان، چاپ سوم.
۱۰. مجلسی، علامه محمد تقی. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء.

